

ارزیابی سریع وضعیت کودکان خیابانی در شهر تهران، ۱۳۹۲ (علل و خطرهای کار کودکان در خیابان)

مروئه وامقی^۱
معصومه دژمان^۲
حسن رفیعی^۳
پیام روشنفکر^۴

تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۹

چکیده

کار کودکان، مشکلی جهانی است و کار در خیابان نیز بخشی از آن محسوب می‌شود. در ایران، پژوهش‌های متعددی درباره علل خانوادگی کار کودکان انجام شده است. پژوهش حاضر، علل و پیامدهای کار کودکان خیابانی تهران را بررسی می‌کند که به روش ارزیابی سریع و پاسخ در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ در تهران انجام شده است. نمونه‌های مطالعه، کودکان خیابانی شهر تهران و صاحب‌نظران این حوزه‌اند. داده‌ها از طریق مرور منابع، روش‌های کیفی شامل ۱۶ مصاحبه عمیق با کارشناسان، ۱۳ بحث گروهی با کودکان خیابانی و تکمیل پرسشنامه کمی از ۲۸۶ کودک خیابانی در ۲۸ پاتوق (محل کار) کودکان انجام شده است. داده‌های کیفی، تحلیل محتوا شده‌اند و داده‌های کمی، آنالیز آماری (کای اسکوتر) شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که کسب درآمد برای کمک به معاش خانواده، علت اصلی کار کودکان در خیابان است (۷۵/۳ درصد)، اما دسترسی نداشتن به آموزش در کودکان افغانی و شرایط نابسامان خانواده مانند خشونت و اعتیاد و نگرش‌های فرهنگی نیز به درجه‌های مختلف، در خیابانی شدن گروه‌های مختلف قومی کودکان نقش دارد. کودکان، در معرض آسیب‌های متعدد جسمی، جنسی و روانی، به‌ویژه خشونت در خانواده و خیابان قرار دارند. نتیجه اینکه مشکل‌های اقتصادی خانواده، نقش اصلی را در خیابانی شدن کودکان دارد، اما این تنها علت نیست. بدین جهت، در برنامه‌ریزی برای گروه‌های مختلف کودکان، باید به سایر علل زمینه‌ای نیز توجه کرد. لازم است پژوهش‌های آتی، بر کار کودکان در مکان‌هایی به‌جز خیابان متمرکز شوند.

واژه‌های کلیدی: ارزیابی سریع و پاسخ، خطرهای کار، خیابانی شدن کودکان، کار کودک، کودکان خیابانی.

۱. سرپرست مرکز تحقیقات مدیریت رفاه اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، me.vameghi@uswr.ac.ir
۲. عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی و دانشجوی پسادکتری مدرسه بهداشت دانشگاه جانز هاپکینز، بخش بهداشت روان (نویسنده مسئول)، mdejman1@jhu.edu
۳. عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات مدیریت رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی ایران، تهران ha.rafiy@uswr.ac.ir
۴. دانشجوی دکتری مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی ایران، تهران، pa.roshanfekr@uswr.ac.ir

مقدمه

کار کودکان، مشکلی جهانی است و پیشینه مطالعاتی وسیعی دارد. اگرچه براساس آمارهای سازمان بین‌المللی کار، از سال ۲۰۰۰ میلادی تاکنون، تعداد کودکانی که در جهان کار می‌کنند، به دو سوم کاهش یافته است، هنوز رقمی در حدود ۱۶۸ میلیون کودک را شامل می‌شود که ۸۵ میلیون نفر آن‌ها به کارهای مخاطره‌آمیز اشتغال دارند (سازمان بین‌المللی کار- آپیک، ۲۰۱۳). پس از کار در بخش کشاورزی که در حدود ۶۰ درصد اشتغال کودکان را شامل می‌شود، بخش مهمی از کودکان (۲۵/۴ درصد) در فعالیتهای خدماتی مشغول به‌کارند که کار در خیابان نیز در همین گروه طبقه‌بندی می‌شود (سازمان بین‌المللی کار- آپیک، ۲۰۱۳).

کار کودکان در خیابان، در پایتخت‌ها و بسیاری از شهرهای بزرگ جهان، به‌ویژه کشورهای درحال توسعه، مشکلی جدی است، اما برآورد دقیق از تعداد کودکان خیابانی دشوار است و تفاوت در چگونگی تعریف و طبقه‌بندی از کودکانی که در خیابان به سر می‌برند و تمایل به بزرگنمایی در تعداد کودکان خیابانی، به‌منظور جلب حمایت‌های سازمانی، به آمارهای بسیار متفاوتی منجر شده است (توماس دو بنیتز، ۲۰۱۱). پژوهش‌های بسیاری در کشورهای جهان، وضعیت کودکان خیابانی، مشاغل آن‌ها، عوامل منجر به خیابانی‌شدن کودکان و پیامدهای خیابانی‌شدن بر کودکان را بررسی کرده‌اند. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که کودکان خیابانی، به‌دلیل شرایط کار و زندگی در خیابان، در معرض پیامدهای نامطلوب سلامت جسمی، روانی، جنسی و خطرهای اجتماعی قرار دارند (توماس دو بنیتز، ۲۰۰۷؛ واتهایو و همکاران، ۲۰۱۱؛ آپتکار، ۱۹۹۴؛ ری و همکاران، ۲۰۱۱؛ یونیسف، ۲۰۰۵). در ایران نیز مسئله کار کودکان در خیابان، از دهه هفتاد در شهرهای بزرگ کشور رواج یافته و مورد توجه مسئولان و پژوهشگران قرار گرفته است. پژوهش‌های پیشین در مورد کودکان خیابانی ایران، هم جنبه‌های سبب‌شناختی مسئله کودکان خیابانی و هم پیامدهای آن را بررسی کرده‌اند و نشان می‌دهند که مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی- اقتصادی چون مهاجرت‌های خارجی و داخلی، فقر و مشکل‌های مربوط به خانواده، از جمله بدرفتاری با کودکان، آن‌ها را به خیابان می‌کشاند (وامقی و همکاران، ۱۳۸۹). همچنین این پژوهش‌ها درگیری کودکان با مجموعه‌ای از مشکل‌های سلامتی و اجتماعی چون افسردگی و سوء مصرف مواد را گزارش کرده‌اند (وامقی و همکاران، ۱۳۹۰). علی‌رغم داده‌های موجود، با توجه به محدودیت پژوهش‌های کیفی در حوزه سبب‌شناسی و پیامدهای خیابانی

شدن کودکان در ایران و کمبود اطلاعات در مورد تجربه عمیق کودکان از کار، این مقاله با ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی، به عوامل مربوط به خیابانی‌شدن کودکان و پیامدهای آن توجه می‌کند.

پیشینه نظری

در حوزه سیاست‌گذاری‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، کودکان خیابانی عموماً «به‌حاشیه‌رانده شده» یا «در انزوای اجتماعی» در نظر گرفته می‌شوند. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، سازمان‌های بین‌المللی کودکان، برنامه‌های خود برای کودکان به‌حاشیه‌رانده شده را با عنوان «کودکان در شرایط دشوار» یا «کودکان دارای نیازهای خاص حمایتی» جهت‌گیری می‌کردند، اما در سال‌های اخیر، موضوع‌هایی که زیرمجموعه این عناوین قرار داشتند، دوباره مفهوم‌پردازی شدند و زیر چتر اصطلاح‌های دیگری قرار گرفتند؛ برای مثال، یونیسف و سازمان‌هایی مانند نجات کودکان و نیز همه کودکان، با مفاهیمی چون کودکان در حرکت (به‌جای اصطلاح محدودتر قاچاق کودکان)، کودکان بدون مراقبت والدین (بیش از ایتم) و کودکان تحت تأثیر جنگ (به‌جای کودکان سرباز) سروکار دارند. کودکان خیابانی نیز زیر چتر تعدادی از این اصطلاحات قرار می‌گیرند؛ به‌عنوان مثال، کودکانی که در جست‌وجوی کار به شکل غیر ایمن مهاجرت می‌کنند (کودکان در حرکت)، ممکن است در نهایت در مقصدشان به کار در خیابان سوق داده شوند (ری و همکاران، ۲۰۱۱).

علاوه بر طبقه‌بندی‌های مبتنی بر سیاست‌گذاری، ادبیات آکادمیک کودکان خیابانی نیز قائل به دسته‌بندی‌های متفاوتی برای کودکان است. از جمله میان کودکانی که در خیابان زندگی می‌کنند (کودکان خیابان) و کودکانی که در خیابان برای خود و یا خانواده خود پول درمی‌آورند (کودکان در خیابان) تفاوت قائل می‌شود (وینکه، ۲۰۰۸).

اما از دید گلاوسر (۱۹۹۷)، طبقه‌بندی کودکان به دو گروه کودکان خیابان و در خیابان مشکل‌ساز است؛ زیرا کودکان ممکن است بین زندگی در خیابان و دوره‌های موقت زندگی نزد خانواده، دوستان یا سازمان‌های رفاهی و زندان، در حال جابه‌جایی باشند؛ بنابراین، منطقی‌تر است که بین این دو گروه طیفی در نظر بگیریم و جای هر کودکی در این طیف را براساس شرایطش مشخص کنیم. خود اصطلاح کودک خیابانی هم مشکل‌ساز است، چرا که به جنبه‌های منفی زندگی این کودکان، مانند بزهکاری و خشونت اشاره دارد (آپتکار و آبه، ۱۹۹۷). شیوتو

در سال ۱۹۹۳ پیشنهاد می‌کند که بر فعالیتهای سودمند این کودکان باید تأکید شود و توانمندی‌های آنها به‌ویژه در هنگام کارکردن باید نشان داده شود. در این دیدگاه، کار به تمام فعالیتهایی اطلاق می‌شود که برای حیات شهری لازم است؛ همان‌گونه که بقیه جامعه برای زنده ماندن به دستمزد نیاز دارند. از این دیدگاه، کودکان خیابانی عمدتاً «کودکان کار» محسوب می‌شوند که مقادیر زیادی تجربه ناشی از آزادی و خودمختاری و خلاقیت در دست‌وپنجه نرم کردن با مشکلات را نیز دارند. استفاده از مفهوم «کودکان کار» از قضاوت‌های اخلاقی پیشگیری می‌کند و به‌جای آن، بر سازوکارهای اجتماعی- اقتصادی ایجادکننده این پدیده تأکید می‌ورزد (وینکه، ۲۰۰۸).

علل پدیده کودکان خیابانی

آسیب‌شناسی فردی

مدت‌های طولانی، مقامات شهرها و کشورهای که کودکان خیابانی در آنها وجود داشتند، اظهار می‌کردند که کودکانی که خیابان‌ها را پر کرده‌اند، مشکلات فردی دارند و به‌عبارتی مجرم و با محیط ناهمگون‌اند. در کشورهای درحال توسعه، در بسیاری از سطوح حکومت معتقد بودند وضعیت روان‌شناختی نامطلوب این کودکان، آنها را به‌سوی زندگی بزهکارانه می‌کشاند، اما مطالعه‌های لوئیس آپتکار در مورد وضعیت نورولوژیک و هیجانی این کودکان نشان داد که سلامت روان این کودکان مساعد است. با این‌حال نمی‌توان انکار کرد که زندگی در خیابان، رفتارهای ناسالم روانی و جسمی تولید می‌کند. همین‌طور زندگی در خیابان، فعالیتهای مجرمانه مانند دزدی و تن‌فروشی را تشویق می‌کند (وینکه، ۲۰۰۸).

آسیب‌ها و فقر خانواده

بیشتر محققان، علت پدیده کودکان خیابانی را فردی نمی‌دانند؛ بلکه آن را در آسیب‌ها و/ یا فقر خانواده می‌بینند. پژوهش‌های متعددی در بسیاری از کشورهای درحال توسعه جهان نشان داده است که روابط ناکارآمد و فشارهای اقتصادی خانواده، نقش تعیین‌کننده‌ای در ترک خانه از سوی کودکان دارد. بسیاری از کودکان خیابانی، از خانواده‌هایی می‌آیند که در آنها آزار و بی‌توجهی می‌بینند؛ برای مثال، پاتل براساس مصاحبه با هزار کودک خیابانی در بمبئی به این نتیجه رسیده است که علت اصلی حضور کودکان در خیابان، خشونت در خانواده است. حجم

زیادی از پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد که این خود آسیب‌های خانوادگی در موارد زیادی، از فقر خانواده سرچشمه می‌گیرند (وینکه، ۲۰۰۸).

شهرنشینی سریع

اگرچه مرور ادبیات موضوع نشان می‌دهد که حداقل بخشی از پدیده کودکان خیابانی شهری از طریق فقر و آسیب‌های خانواده توضیح داده می‌شود، یکی از علت‌های چنین آسیب‌هایی در خانواده، نبود منابع شهری است که افراد در آن زندگی می‌کنند. برنشتاین و گری می‌گویند: پدیده کودکان خیابانی، محصول فرعی جامعه‌ای است که در معرض صنعتی‌شدن و شهری‌شدن سریع قرار گرفته است، اما یک زیربنای خدمات اجتماعی قوی ندارد. با افزایش مهاجرت از شهرهای کوچک به بزرگ، جمعیت شهری بزرگ و تقاضا برای خدمات و زیرساخت‌های شهری که قادر به تأمین آن نیستند، به شدت افزایش یافته است. این امر به گسترش شدید مناطق حاشیه‌ای و زاغه‌ها در شهرهای بزرگ منجر شده است. افسردگی، خشم، اضطراب و ناامیدی والدین در رویارویی با فقر، بیکاری، بیگانگی اجتماعی و نبود پایه‌ای‌ترین خدمات، به رفتارهای خشن و بدرفتاری با کودکان و فرار کودکان از خانه منجر می‌شود. در چنین شرایطی، کمبود امکانات برای ارتقای کودکان به شرایط بهتر، مانند دسترسی نداشتن به امکانات تحصیلی و هزینه‌های تحصیل، در کنار نبود سایر امکانات حمایتی خانواده، به تداوم کار کودکان در خیابان می‌انجامد (وینکه، ۲۰۰۸).

سیاست‌های ملی و فقر

هرچند بسیاری از پژوهشگران، کمبود امکانات در سطح محلی را در پدیده کودکان خیابانی مؤثر می‌دانند، بسیاری نیز بر نقش سیاست‌های ملی در زندگی کودکان در خیابان تأکید می‌ورزند. در این حوزه، سه دسته عامل بیشتر مطرح شده‌اند: ناآرامی‌های مدنی، ساختار سیاسی و اقتصاد ملی؛ برای مثال، پژوهش‌ها در ایرلند، سودان، کنیا، نیکاراگوئه و گواتمالا، منشأ ظهور کودکان خیابانی در این کشورها را وقوع ناآرامی‌های داخلی می‌دانند. در مقابل، در بعضی کشورها مانند آفریقای جنوبی، نظام سیاسی ملی (آپارتاید) یا تبعیض نژادی، بسیار بیش از ناآرامی‌های داخلی، کودکان را به خیابان رانده است. همچنین یکی از دلایل مهم خیابانی‌شدن کودکان در سطح ملی، فقر کشور است. کودکان کشورهای فقیر بیشتر احتمال دارد که والدین

فقیر داشته باشند، در خانه‌های تک‌والد و خانه‌هایی با شرایط زیر استاندارد زندگی کنند، آزار ببینند، تحصیل را رها کنند و خود را برای تلاش برای زنده‌ماندن در خیابان بیابند (وینکه، ۲۰۰۸).

پیشینه تجربی

بسیاری از پژوهش‌ها در کشورهای مختلف جهان، کودکان خیابانی را محصول شرایط اقتصادی-اجتماعی نامطلوب خانواده‌ها دانسته‌اند (علی، ۲۰۰۴؛ آپتکار، ۱۹۹۴؛ فرگوسن، ۲۰۰۵؛ خان و هسکت، ۲۰۱۰؛ موماوالی، ۲۰۰۲؛ وارد و سگار، ۲۰۱۰). تعدادی از پژوهش‌ها نیز وضعیت نابسامان خانواده مانند خشونت خانگی و بی‌سرپرستی کودکان را در ورود آن‌ها به خیابان مؤثر دانسته‌اند (خان و هسکت، ۲۰۱۰؛ پاتل، ۱۹۹۰؛ سوبرامانیان و سوندهی، ۱۹۹۰). گروهی نیز هردو دسته عوامل را در خیابانی‌شدن کودکان مؤثر می‌دانند (برنامه جهانی غذا، ۲۰۰۱).

براساس پژوهش‌های انجام‌شده در ایران، عوامل خیابانی‌شدن کودکان را می‌توان در دسته‌بندی‌های مختلفی ارائه کرد. گروهی آن‌ها را به عوامل اقتصادی و خانوادگی تقسیم می‌کنند (قاسم‌زاده، ۱۳۸۲) و گروهی دیگر نیز در کنار عوامل اقتصادی و خانوادگی، عوامل آموزشی را بررسی کرده‌اند (اقدام و همکاران، ۱۳۹۰). وامقی و همکارانش (۱۳۸۹) در بررسی علل خیابانی‌شدن کودکان در کشور به این نتیجه دست یافتند که متغیرهای مربوط به وضعیت اقتصادی خانواده، فراوانی بالایی دارند و به‌نظر می‌رسد خطر مهمی در خیابانی‌شدن کودکان باشند.

همچنین بخشی از کودکان، از شرایط نامطلوب خانوادگی چون از هم‌گسستگی، اعتیاد و خشونت رنج می‌برند که در خیابانی‌شدن کودکان مؤثر است. به‌طوری‌که یافته‌ها نشان می‌دهد، والدین ۲۹/۳ درصد کودکان، طلاق گرفته‌اند یا بدون طلاق رسمی از یکدیگر جدا شده‌اند (وامقی و همکاران، ۱۳۹۰)، اما بی‌سرپرستی در خانواده‌ها رواج زیادی ندارد و فقط ۳/۶ درصد کودکان خیابانی سرپرست ندارند (همان). براساس یافته‌های روشن‌پژوه و همکارانش (۱۳۸۹) نیز ۶۲ درصد کودکان مورد مطالعه، از جانب خانواده‌هایشان رفتار خشونت‌آمیز دیده‌اند. مطالعه آرزومندی و روشن‌پژوه (۱۳۸۹) نیز نشان می‌دهد که ۷۰ درصد کودکان خیابانی مورد مطالعه وی، تجربه تنبیه بدنی در خانواده را داشته‌اند؛ درحالی‌که تنبیه در میان کودکان محروم غیر

خیابانی که تجربه‌ای مشابه داشته‌اند، ۲۲/۵ درصد بوده است. براساس یافته‌های پژوهش‌ها (وامقی و همکاران، ۱۳۹۰)، ۱۸/۸ درصد افراد خانواده‌های کودکان خیابانی، سابقه زندان دارند، ۵۵/۸ درصد کودکان، در خانواده معتاد دارند، ۴۴/۴ درصد پدر معتاد و ۲۳/۴ درصد مادر معتاد یا دارای سابقه اعتیاد دارند.

از محدود عوامل ساختاری که در پژوهش‌ها به آن اشاره شده، مهاجرت است. براساس یافته‌های چهار مطالعه که به رابطه مهاجرت با خیابانی شدن کودکان پرداخته‌اند (آرزومندی، ۱۳۸۲؛ احمدی خوئی، ۱۳۸۳؛ کاشانی، ۱۳۸۶؛ گلپذیر سرخه، ۱۳۸۴)، تنها یک مطالعه در اصفهان نشان داده است که مهاجر خارجی بودن، خطر خیابانی شدن را ۴/۷ برابر افزایش می‌دهد و عامل خطر بالقوه برای خیابانی شدن محسوب می‌شود. در مجموع، به نظر می‌رسد که دو عامل شرایط اقتصادی و مشکل‌های اجتماعی خانواده، ارتباطی مستقیم با کار کودکان در خیابان دارند. با این حال، این پژوهش‌ها اغلب کمی‌اند و تجارب عمیق کودکان از کار و علل آن را کمتر بررسی کرده‌اند.

براساس بعضی از پژوهش‌ها، خیابانی شدن کودکان، با پیامدهای مختلفی از جمله مشکل‌های اجتماعی و سلامتی برای کودکان همراه است؛ به‌گونه‌ای که گاهی کودکان خیابانی را در زمره کودکان در معرض خطر طبقه‌بندی می‌کنند (پانتر-بریک، ۲۰۰۲). تودوریک-گومو در مرور پژوهش‌های کودکان خیابانی در کشورهای مختلف جهان، شیوع بالای بیماری‌های تنفسی، پوستی، گوارشی و دندان در میان کودکان خیابانی را گزارش می‌کند (تودوریک-گومو، ۲۰۰۵). همچنین براساس نتایج تعدادی از پژوهش‌ها از جمله در پاکستان، غنا، مصر، اوکراین، ارمنستان و تایلند (حبیب و همکاران، ۲۰۰۷؛ ووتو و همکاران، ۲۰۰۵؛ برنامه جهانی غذا، ۲۰۰۱؛ اسماعیلوف، ۲۰۰۷؛ تلتشیک، ۲۰۰۶؛ واتهایو و همکاران، ۲۰۱۱)، کودکان خیابانی در معرض پاره‌ای از خطرهای مانند مصرف مواد مخدر و بیماری‌های مقاربتی به‌ویژه ایدز قرار دارند. واتهایو و همکارانش در تایلند (۲۰۱۱)، شیوع بالای رفتارهای جنسی محافظت‌نشده، مصرف مواد مخدر و خرید و فروش آن و روابط جنسی برای به‌دست آوردن مواد و پول را در کودکان خیابانی نمونه خود گزارش کرده‌اند. با این حال، پانتر-بریک در نگرش به کودکان خیابانی به‌عنوان گروهی در معرض خطر تردید کرده است. وی معتقد است که حتی هاتز و کولر (۱۹۹۹) - که نخستین بار پیشنهاد دادند تا کودکان خیابانی براساس عوامل خطر و محافظت‌کننده آن‌ها در زندگی خیابانی طبقه‌بندی شوند- به دشوار بودن ارزیابی خطر در این کودکان اذعان داشتند.

در ایران نیز پژوهش‌های متعددی ابتلا به بیماری‌های مختلف جسمی، مشکل‌های روان‌شناختی مانند افسردگی، خودکشی و آزار کودکان و مشکل‌های اجتماعی چون مصرف سیگار، مواد مخدر و بزهکاری را در کودکان خیابانی تأیید کرده‌اند؛ برای مثال، پژوهش سازمان بهزیستی در سال ۱۳۷۹ درباره کودکان خیابانی این سازمان در تمام کشور نشان داده است که ۱۲/۶ درصد کودکان، حداقل به یک بیماری مبتلا بوده‌اند. با این حال، پژوهش‌ها در این حوزه، در مقایسه با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و عوامل مربوط به خیابانی‌شدن محدودتر است و به دلیل تعاریف و روش‌های متفاوت پژوهش‌های انجام‌شده در هر حوزه، جمع‌بندی دقیق آن‌ها دشوار است (وامقی و همکاران، ۱۳۹۰).

نوع مطالعه و روش اجرا

یافته‌های این مقاله، بخشی از نتایج مطالعه بزرگ‌تری است که به منظور ارزیابی وضعیت جمعیت‌شناختی، کار و رفتارهای پرخطر کودکان خیابانی شهر تهران به روش ارزیابی سریع و پاسخ^۱ در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ در شهر تهران انجام شد (نگارندگان، در دست چاپ). مطالعه در هشت مرحله، شامل مشورت اولیه، تهیه نیمرخ منطقه مورد مطالعه، ارزیابی زمینه، ارزیابی جمعیت و محیط، ارزیابی مشکل سلامتی، ارزیابی رفتارهای سلامت و خطر، ارزیابی مداخله‌های فعلی و تدوین برنامه عمل اجرا شده است و در مراحل مختلف آن، از ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی و مرور منابع، استفاده شده است.

جامعه آماری این مطالعه، کودکان خیابانی شهر تهران و مطلعان کلیدی هستند. منظور از کودکان خیابانی، کودکان ایرانی و غیر ایرانی بودند که زمان شایان توجهی از روز را در خیابان‌های شهر تهران به کار و/یا زندگی می‌پرداختند. معیار انتخاب مطلعان، داشتن تجربه ستادی و/یا کار مستقیم در سازمان‌های دولتی و غیر دولتی مربوط به کودکان خیابانی و رفتارهای پرخطر بوده است. در بخش کیفی، انتخاب مطلعان کلیدی، هدفمند و توسط تیم تحقیق و انتخاب کودکان به صورت هدفمند و از پنج مرکز ارائه‌دهنده خدمات به کودکان خیابانی شهر تهران انجام گرفت. در بخش کمی، به روش نمونه‌گیری زمان-مکان (TLS)^۲ برای دسترسی به کودکان در خیابان، ۲۸ پاتوق (محل کار) به روش تصادفی سهمیه‌ای در سه پهنه

1. Rapid Assessment and Response (RAR)
2. Time-Location Sampling

توسعه‌ای شهر تهران انتخاب شد و کودکان در همه پاتوق‌ها به روش تمام‌شماری نمونه‌گیری شدند. حجم نمونه لازم برای این مرحله، با در نظر گرفتن میزان شیوع ۳۰ درصد رفتارهای پرخطر جنسی در کودکان خیابانی براساس مطالعه شغلی و محرز (۱۳۸۹) و با اطمینان ۹۵ درصد و دقت ۱۰ درصد، ۲۷۰ نفر محاسبه شد که با توجه به تمام‌شماری، ۲۸۶ پرسشنامه تکمیل شد.

در بخش کیفی، اطلاعات مورد نیاز با استفاده از بررسی متون، سیزده بحث گروهی متمرکز، با کودکان خیابانی به تفکیک گروه‌های سنی (۱۰ تا ۱۴ و ۱۵ تا ۱۸ سال)، جنسی (دختر- پسر) و قومی (ایرانی کولی، ایرانی غیر کولی و افغانی) در مراکز غیر دولتی کودکان خیابانی و ۱۶ مصاحبه عمیق با مطلعان کلیدی در هفت سازمان غیر دولتی، سازمان بهزیستی، شهرداری تهران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، صندوق کودکان سازمان ملل در تهران و دفتر مقابله با مواد مخدر سازمان ملل، با استفاده از پرسشنامه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام شد. در بخش کمی، اطلاعات لازم با انجام مصاحبه ساختاریافته با کودکان در خیابان گردآوری شدند.

تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و بحث‌های گروهی، به روش تحلیل محتوا انجام گرفت. بدین ترتیب که اطلاعات ضبط‌شده از مصاحبه با مطلعان کلیدی و بحث‌های گروهی متمرکز با کودکان کدگذاری شد و نتیجه آن به منظور افزایش دقت کدگذاری‌ها از سوی یکی دیگر از افراد تیم، ارزیابی سریع، بازبینی و در صورت لزوم تصحیح شد. براساس نتایج کدگذاری‌ها، طبقات اصلی اطلاعات استخراج شدند و با مقایسه دائم کدها و طبقات، بعضی از طبقات مشابه با هم ادغام شدند و با توجه به اهداف مطالعه، محوربندی شدند. فراوانی یافته‌های کمی نیز توصیف شد و با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل آماری آن با آزمون کای اسکوئر انجام گرفت.

با توجه به وظایف قانونی سازمان بهزیستی کل کشور به‌عنوان تنها متولی کودکان خیابانی در کشور^۱، دبیر کمیته پیشگیری و کنترل ایدز سازمان بهزیستی کشور، مجوز اجرا و پرسشگری از کودکان را در اختیار تیم تحقیق قرار داد. همچنین تمامی مراحل مطالعه، از سوی کمیته اخلاق

۱. براساس مصوبه ۶۰۴/۷۰ مورخ ۱۳۷۸/۰۳/۲۵ شورای عالی اداری کشور، ساماندهی کودکان خیابانی (افراد زیر ۱۸ سال) برعهده سازمان بهزیستی و در مورد افراد بالای ۱۸ سال (متکدیان و ولگردان) برعهده وزارت کشور با همکاری سازمان‌ها و نهادهای مختلف از جمله سازمان بهزیستی است.

در دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، بررسی و با کد USWR.REC.93.1 تصویب شد. در تمامی بحث‌های گروهی با کودکان، به‌طور روشن و قابل درک، اهداف جلسه توضیح داده شد و ضمن تأکید بر حق کودکان برای شرکت‌کردن یا شرکت‌نکردن در مطالعه، رضایت شفاهی کودکان برای انجام بحث گروهی گرفته شد. از کودکان درخواست شد که با هر نام کوچکی که مایل‌اند، در بحث گروهی شرکت کنند و نام خانوادگی خود را بیان نکنند. همچنین کودکان برای ورود یا خروج از بحث در هر زمانی، آزاد بودند.

ویژگی‌های جمعیت شناختی

یافته‌ها نشان داد که بیش از نیمی از کودکان خیابانی شهر تهران، ایرانی هستند (۵۹/۴ درصد)، اما کودکان افغانی نیز بخش شایان توجهی از آن‌ها را تشکیل می‌دهند (۳۶/۳ درصد). بخشی از کودکان خیابانی شهر تهران، کودکان ایرانی کولی هستند (۱۵/۲ درصد) که زندگی و کار متفاوت با کودکان افغانی و سایر کودکان ایرانی دارند. در حدود یک‌چهارم کودکان خیابانی تهران، دختر (۲۵/۵ درصد) و بقیه پسر هستند. از نظر سنی، ۵/۸ درصد کودکان، زیر ۱۰ سال، ۴۵/۳ درصد بین ۱۰ تا ۱۵ سال و ۴۸/۹ درصد بین ۱۵ تا ۱۸ سال هستند.

علل خیابانی شدن کودکان

یکی از شایع‌ترین پاسخ‌ها به پرسش در مورد علت خیابانی شدن کودکان براساس دیدگاه‌های صاحب‌نظران و کودکان، وضعیت اقتصادی خانواده‌ها و کسب درآمد است؛ چراکه درآمد سرپرست خانواده پرجمعیت برای مخارج زندگی کافی نیست. براساس اظهارات کودکان در مطالعه کمی نیز بالاترین علت کار کودکان در خیابان، کمک به معاش خانواده است (۷۵/۳ درصد). دختران و پسران از این حیث با هم تفاوتی ندارند، اما کودکان افغانی (۸۶/۴ درصد) بیش از کودکان ایرانی (۶۷/۷ درصد) علت کارکردن خود را کمک به معاش خانواده گزارش کرده‌اند ($p < 0.000$). دسترسی نداشتن بسیاری از کودکان افغانی به آموزش رسمی و ناتوانی در تأمین هزینه‌های تحصیل در کنار مشکل‌های اقتصادی خانواده‌های افغانی در ایران، کودکان افغانی را به سوی کار در خیابان سوق می‌دهد. خانواده‌های کودکان خیابانی افغانی، پرجمعیت‌اند و پدران این خانواده‌ها به کارهای کم‌درآمدی اشتغال دارند.

- بحث گروهی دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله افغانی: بابای من یک سال و چهار ماهه که مرده و برادرم کار می‌کنه. ۵۰ تومن حقوقشه. ما چهار نفریم. خواهرم هم سه ساله که شوهرش مرده و با ما زندگی می‌کنه و دو تا هم بچه داره.

برای بعضی گروه‌ها مانند ایرانی‌های کولی، کار کودکان به‌ویژه دختران، یک سنت و روش زندگی است. درحالی‌که بسیاری از مردان در سنین جوانی از کار کناره می‌گیرند، درآمد خانواده عمدتاً از کار زنان و بچه‌ها تأمین می‌شود. همچنین بسیاری از خانواده‌های کولی، برای کسب درآمد به دلیل نداشتن شناسنامه، با مشکل‌های حقوقی مواجه‌اند. دختران و پسران کولی در سنین پایین ازدواج می‌کنند و خانواده‌های پرجمعیتی دارند. خوب کارکردن دختران، امتیازی برای ازدواج آن‌ها محسوب می‌شود و سنت کارکردن کودکان، خود محرکی برای داشتن فرزندان متعدد و کسب درآمد بیشتر است.

- بحث گروهی دختران ۱۴ تا ۱۸ ساله کولی: ما این‌همه کار می‌کنیم که اگه فردا صاحب بچه می‌شیم، یه خونه داشته باشیم. ماشین داشته باشیم. یه موتور داشته باشیم. یکی تهران خونه داشته باشیم، یکی شهرستان. چون من وقتی ۲۵ یا ۲۶ سالم شد، باید زیر یه سقف باشم. دیگه نمی‌تونم برم سر چهارراه. بعد بچه‌م رو می‌فرستم.

به عقیده یک کارشناس سازمان بهزیستی، نیاز خانواده‌ها به درآمد کودکان، مانع عمده خانواده‌ها برای برگرداندن کودکان از خیابان به تحصیل و خانه است. به نظر بعضی کودکان، والدین و بزرگسالان به‌جای اینکه خود کار کنند، بچه‌هایشان را سر کار می‌فرستند و آن‌ها از اینکه والدین، آن‌ها را مجبور به کار می‌کنند، ناراضی‌اند.

در میان هزینه‌های معمول خانواده، هزینه‌های تحصیل کودکان نیز یکی از مخارجی است که سبب می‌شود کودکان خانواده‌های کم‌درآمد از چرخه آموزش خارج شوند و به ناچار به کار روی آورند.

- دختر ۱۴ ساله ایرانی: مدرسه داشتم، هفته به هفته باید ۵ هزار تومان ببره. خوب این‌طوری نمی‌شه. مثلاً موقع‌هایی که مامانم نداره، بهش می‌گن به مامانم بگو بیاد. اون وقت من همیشه خودم می‌رم مدرسه‌شون می‌گم ما کم‌درآمدیم؛ نمی‌تونیم بدیم. می‌گه این دیگه مشکل ما نیست؛ مشکل شماست. واسه همین داشتم با ما هفته‌ای می‌رفت کار. هرچی کار می‌کنه، می‌ده مدرسه.

در گروه کوچک‌تری از کودکان خیابانی تهران، مشکل‌های خانوادگی مانند فوت یک یا هر دو والد، طلاق آن‌ها و نپذیرفتن سرپرستی کودک، سایر مشکل‌های پس از جدایی والدین مانند شرایط زندگی با ناپدری و نامادری، خشونت جسمی، جنسی و روانی با کودکان و مشکل‌های والدین مانند اعتیاد و تن‌فروشی، آن‌ها را به خروج موقت یا همیشگی از خانه سوق می‌دهد. به‌علاوه، کودکان نه تنها برای تأمین مخارج عادی زندگی، بلکه برای تأمین هزینه‌هایی چون اعتیاد والدین نیز مجبور به کار در خیابان می‌شوند.

- مسئول شهرداری: مشکل‌های اقتصادی هست. مسائل دیگه هم هست. اعتیاد خانواده هست. بچه‌ای که خانواده آزار و اذیتش کردن یا خانواده بچه رو بیرون کرده. پدر نداره. دست مادره و مادر نتونسته؛ یا مادر نداره، دست پدیره یا نامادری. اینا دلایلیه که بچه‌ها وارد خیابون می‌شن.

تعدادی از این کودکان، از خانواده‌های خود در تهران یا شهرهای دیگر می‌گریزند و چون سرپناهی ندارند، خیابان خانه موقت یا همیشگی آن‌ها می‌شود. به این جهت، کارشناسان مراکز دولتی، بیشتر از این گروه کودکان با عنوان کودک فرار نام می‌برند. به گفته یکی از کارشناسان، بعضی از این کودکان از مراکز نگهداری کودکان بی‌سرپرست فرار کرده‌اند و راهی خیابان شده‌اند. زیادبودن تعداد کودکان در خانواده و کم‌اطلاعی خانواده‌ها از رفتار مناسب با کودک، گاهی سبب می‌شود دلبستگی جدی میان کودک و خانواده شکل نگیرد و این امر وقوع خشونت را در خانواده تسهیل می‌کند. کودکان حتی وقتی کار می‌کنند، به دلایلی مانند دیربازگشتن به خانه، درآمد کم یا کار نکردن در ساعت‌هایی از روز، ممکن است به شدت تنبیه شوند.

- بحث گروهی پسران ۱۰ تا ۱۴ ساله افغانی: یک بار من کار نکرده بودم. ترسیده بودم. گفتم بروم خانه من را می‌زنند. رفتم بهزیستی، خودم را دست بهزیستی دادم. بعد مادرم زنگ زد، گفت کار هم نکرده بودی، می‌آمدی خانه؛ چرا رفتی بهزیستی؟ من رفتم خانه. پدرم هم عصبانی بود، گرفت من را با مشت زد. گرفت دستش مشت زد.

شرایط نامطلوب خانواده، مانند مصرف مواد و تن‌فروشی، سایر افراد خانواده را هم به خیابان می‌کشاند.

- کارشناس مرکز غیر دولتی: ما بچه‌ای داشتیم که مادرش روسپی بود. تو خونه نمی‌تونست اینا رو نگه داره. از صبح می‌اومدند تو خیابون، بعدازظهر ما جمعشون می‌کردیم، می‌اومدند پیش ما حتی یه غذایی می‌خوردند، ۷ و ۸ شب می‌بردیم به زور در می‌زدیم که تو خیابون نمونن.

بعضی کودکان، خود شرایط خیابان را به موقعیت سخت خانه ترجیح می‌دهند و به خیابان روی می‌آورند. به‌ویژه که تجربه خیابان و آزادی و درآمد آن، در مقایسه با شرایط خانه، مشوقی است که مانع خروج از خیابان می‌شود. این گروه کوچک‌تر کودکان خیابانی، به‌دلیل ضعف جدی در حمایت‌های خانوادگی، بیش از گروه اول در معرض خطرهای محیط خیابان قرار می‌گیرند.

پس از کمک به معاش خانواده، با فاصله‌ای قابل توجه، تأمین مالی شخصی (۳۳/۳ درصد) و شرایط نامطلوب محیط خانه و خانواده (۱۳/۲ درصد) مهم‌ترین علل کار کودکان از نظر خود آن‌ها عنوان شده است. جدول ۱، علل کار کودکان را از نظر خود آن‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۱. علل کار کودکان خیابانی شهر تهران، ۱۳۹۱

علت کار خیابانی	فراوانی (درصد)
کمک به معاش خانواده	۲۱۰ (۷۵/۳ درصد)
تأمین مالی شخصی	۹۳ (۳۳/۳ درصد)
منع قانونی تحصیل	۱ (۰/۳ درصد)
تأمین هزینه تحصیل	۲۴ (۸/۶ درصد)
تمایل نداشتن به تحصیل	۱۲ (۴/۳ درصد)
نداشتن هزینه تحصیل	۸ (۲/۹ درصد)
ممانعت خانواده از تحصیل	۶ (۲/۱ درصد)
شرایط نامطلوب محیط	۳۷ (۱۳/۲ درصد)
بی‌سرپرستی	۲۴ (۸/۶ درصد)
اجبار خانواده	۲۸ (۱۰/۳ درصد)
جمع	۲۷۹ (۱۰۰ درصد)

خطرهای کار و زندگی در خیابان

کار و زندگی در خیابان با مخاطره‌های مختلفی برای کودکان به‌ویژه کودکان کوچک‌تر همراه است. کارشناسان معتقدند که کار خیابانی رشد جسمی، جنسی و روانی کودکان را به تأخیر می‌اندازد.

خطرهای جسمی و جنسی

کودکان خیابانی، وضعیت تغذیه‌ای مناسبی ندارند و ساعات طولانی‌بودن در خیابان، آن‌ها را در معرض شرایط آب‌وهوایی نامطلوب و حوادثی قرار می‌دهد. از طرفی مراقبت ناکافی بزرگسالان

و شرایط اقتصادی- اجتماعی خانواده سبب می‌شود کودکان مراقبت بهداشتی و درمانی کافی نداشته باشند، از جمله برای بسیاری از کودکان، واکسیناسیون انجام نشده است یا ناقص است. کودکان از مشکل‌هایی چون تحمل سرما و گرما (۴۰/۲ درصد)، گرسنه ماندن (۳۴/۷ درصد)، تصادف با ماشین (۳۲/۲ درصد) و مریض شدن (۲۴/۷ درصد)، به‌عنوان بعضی از شایع‌ترین مشکل‌های خود در خیابان نام برده‌اند. بعضی مشکل‌ها در گروه‌هایی از کودکان شایع‌تر است؛ برای مثال، دخترها (۴۲/۳ درصد)، بیش از پسرها (۲۹/۲ درصد) تصادف با ماشین ($p < 0.034$) و همین‌طور دخترها (۳۲/۴ درصد) بیش از پسرها (۲۱/۵ درصد)، بیمار شدن ($p < 0.05$) را گزارش کرده‌اند. همین‌طور کودکان ایرانی (۴۰/۶ درصد) بیش از کودکان افغانی (۲۱/۳ درصد) گرسنه ماندن در خیابان را تجربه کرده‌اند ($p < 0.002$). بعضی مشاغل نیز خطرهای ویژه خود را دارند؛ از جمله تماس با مواد بیماری‌زای موجود در ضایعات، از مشکل‌های خاص کودکان زباله‌گرد است؛ به‌ویژه آسیب با سرنگ استفاده‌شده در میان زباله‌ها، در انتقال ویروس هپاتیت و ایدز نقش ایفا می‌کند. آزار جسمی و جنسی و دزدیده شدن، یکی از نگرانی‌های همیشگی کودکان خیابانی است و این نگرانی، میان دختران و پسران، به‌ویژه در سنین پایین‌تر مشترک است.

- بحث گروهی دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله افغانی: مثلاً این معتادها هم این کارها رو می‌کنن؛ مثلاً می‌دزدن بچه‌ها رو می‌برن. می‌کشن، چشم‌هاشون رو درمی‌آرن. همه چیزشون رو درمیارن، می‌برن می‌فروشن شیشه می‌گیرن برای خودشون.

آزار جنسی کودکان هم از پیامدهای کار خیابانی است و ۵/۴ درصد کودکان، آزار جنسی را گزارش کرده‌اند؛ به‌ویژه دخترها (۱۲/۷ درصد)، بیش از پسرها (۲/۷ درصد) از وقوع آزار جنسی خبر داده‌اند ($p < 0.004$)، اما احتمالاً موارد وقوع آن بیش از تعدادی است که کارشناسان در جریان آن قرار می‌گیرند.

- کارشناس مرکز غیر دولتی: به چندین مورد از بچه‌های ما در زمین‌های کشاورزی اطراف شهرری تجاوز کردند. به نظر من، وقتی ۴-۵ مورد گزارش می‌شود، معنی‌اش این است که خیلی بیشتر اتفاق می‌افتد که ما فقط از ۴-۵ مورد آن مطلع می‌شویم.

مخاطره‌های روانی و اجتماعی: کودکان در خیابان به شکل روزمره در معرض رفتارهای

تحقیرآمیز و توهین مردم قرار می‌گیرند. بعضی از کودکان از اینکه در خیابان به کار اشتغال دارند و ممکن است آشنایان آن‌ها را در خیابان ببینند، احساس شرمندگی می‌کنند.

- بحث گروهی دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله افغانی: خانم اینایی که تو خیابون فال می‌فروشند، از دوست‌ها و هم‌مدرسه‌ای‌هاشون که می‌بینند، خیلی خجالت می‌کشند و روشون رو اون‌وری می‌کنند، ولی مجبورند که این کار رو بکنند.

در مورد بعضی مشاغل، این احساس شدیدتر است؛ به‌ویژه کودکان زباله‌گرد، نسبت به کار خود احساس منفی دارند. با توجه به سختگیری خانواده‌های افغانی در مورد روابط جنسی دختران، یکی از نگرانی‌های دختران افغانی از کار خیابانی، برچسب‌خوردن در مورد روابط جنسی و تحقیر شدن از سوی خانواده همسر در آینده است.

خفت‌شدن به معنای ایستادن بر سر راه کودک و گرفتن پول و درآمد روزانه او توسط افراد بزرگ‌تر و قوی‌تر نیز تجربه رایجی در میان کودکان خیابانی است. علاوه بر این‌ها، کودکان همواره با ترس و خطر رفتار مأموران نیروی انتظامی و شهرداری، از توقیف اجناس و دستگیری توسط گشت‌های جمع‌آوری کودکان خیابانی و انتقال و ماندن در مراکز نگهداری مواجه‌اند.

- بحث گروهی پسران ایرانی: آره. وسایلو می‌گیرند، دنبالش می‌کنند، گوشیش رو می‌گیرند یا مجبورش می‌کنند که براشون بستنی بخره. من خودم رفتم دستفروشی. یکی گفت باید به من پول بدی؛ والا وسایلت رو می‌گیرم. ما به مأمورا می‌گیم. از شهرداری و بهزیستی هم میان. با یه ون میان و وسایلشون رو می‌ذارن توش و می‌برند. هم بهزیستی و هم شهرداری گرفته ما رو.

۸۴/۴ درصد از کودکان گزارش کرده‌اند که از سوی شهرداری، ۱۲/۸ درصد از سوی نیروهای انتظامی و ۱۱/۱ درصد از سوی بهزیستی دستگیر شده‌اند. این کودکان به‌طور میانگین ۲/۵ بار در شش ماه قبل از مصاحبه دستگیر شده‌اند. همچنین کودکان توقیف اجناس خود (۳۹/۴ درصد)، اهانت و کتک‌خوردن از مأموران (۲۷/۴ درصد) و اهانت از طرف مردم (۱۶/۲ درصد) را گزارش کرده‌اند. دخترها (۲۶/۸ درصد) بیش از پسرها (۱۱/۸ درصد) از مردم کتک خورده‌اند ($p < 0.007$)، اما اجناس پسران (۶۵/۵ درصد) بیش از دختران (۴۷/۹ درصد) در خیابان توقیف می‌شود ($p < 0.01$). همین‌طور کودکان بزرگ‌تر (۱۵ تا ۱۸ سال)، بیش از کوچک‌ترها (۱۰ تا ۱۴ سال، ۳۲/۱ درصد) در معرض توقیف اجناس هستند ($p < 0.01$). از طرفی کودکان ایرانی (۳۲/۷ درصد) بیش از کودکان افغانی (۱۶/۹ درصد) از مأموران کتک می‌خورند ($p < 0.007$)، اما از این حیث، بین دختران و پسران تفاوتی نیست.

کار در خیابان، کودکان را هم از امکان بازی و کودک بودن محروم می‌کند و هم فرصت آموزش و یادگیری را از آن‌ها سلب می‌کند و بر آینده آنان تأثیر می‌گذارد. نظارت محدود بزرگسالان، کودکان را به آسانی در معرض درگیری با رفتارهای بزهکارانه مانند خرید و فروش مواد مخدر، سرقت و بزهکاری قرار می‌دهد. در بعضی از موارد، اعضای خانواده‌های کودکان، مثل پدر و مادر یا برادران و خواهران بزرگ‌تر، در خیابان در کنار کودکان به کار مشغول‌اند و از دور از آن‌ها مراقبت می‌کنند. به این ترتیب، تلاش می‌کنند تا خطرهای کار خیابانی را کاهش دهند، اما این مراقبت شامل همه کودکان نمی‌شود.

به گفته اغلب کارشناسان دولتی و غیر دولتی، خانواده‌های افغانی، ساختار سنتی خود را بیش از سایر خانواده‌ها حفظ می‌کنند و کنترل بیشتری بر کودکان خود دارند. به این جهت، اگرچه کار کودکان افغانی در خیابان شایع است، گستردگی و میزان آسیب ناشی از خانواده و کار در خیابان، در کودکان افغانی کمتر از سایر گروه‌های کودکان خیابانی است؛ در حالی که سبک زندگی خانواده‌های کولی، از جمله نداشتن ازدواج رسمی و سنت کارکردن کودکان از سنین پایین، کودکان کولی را به شدت در معرض آسیب‌های خیابان و پیامدهای آن قرار می‌دهد.

یکی از کارشناسان مراکز غیر دولتی معتقد است خطرهای خیابانی شدن کودکان، نه تنها بر کودکی، بلکه بر بزرگسالی آن‌ها نیز تأثیر می‌گذارد:

- کارشناس مرکز غیر دولتی: یکی از خطرهایی که کودکان خیابانی را تهدید می‌کند، نداشتن ارتباط‌های اجتماعی است. کودکان خیابانی پس از دوران نوجوانی، از ورود به جامعه و اشتغال در حرفه‌های فنی وحشت دارند. انگ خیابانی بودن، در مسیر زندگی و رشد همچنان به کودکان آسیب می‌زند.

جدول ۲، مشکل‌های ناشی از بودن در خیابان را از دید کودکان بیان می‌کند.

جدول ۲. مشکل‌های خیابان برای کودکان خیابانی شهر تهران، ۱۳۹۱

مشکل‌های خیابان	فراوانی
تصادف با ماشین	۸۶ (۳۳/۲ درصد)
دستگیر شدن	۶۱ (۲۳/۶ درصد)
آزاردیدن جنسی	۱۴ (۵/۴ درصد)
دزدیده شدن	۴ (۱/۵ درصد)
گم شدن	۸ (۳/۱ درصد)

ادامه جدول ۲. مشکل‌های خیابان برای کودکان خیابانی شهر تهران، ۱۳۹۱

مشکل‌های خیابان	فراوانی
بردن به مراکز حمایتی	۱۵ (۵/۸ درصد)
بردن به کانون اصلاح و تربیت	۱۵ (۵/۸ درصد)
حامله‌شدن	۱ (۰/۴ درصد)
اهانت و کتک‌خوردن از مردم	۴۲ (۱۶/۲ درصد)
گرسنه‌ماندن	۹۰ (۳۴/۷ درصد)
کتک‌خوردن از همسالان	۶۹ (۲۶/۶ درصد)
توقیف اجناس	۱۰۲ (۳۹/۴ درصد)
مریض‌شدن	۶۴ (۲۴/۷ درصد)
تحمل سرما و گرما	۱۰۴ (۴۰/۲ درصد)
نداشتن جایی برای خواب	۲۵ (۹/۷ درصد)
اهانت و کتک‌خوردن از مأموران	۷۱ (۲۷/۴ درصد)
خفت‌شدن	۲۲ (۸/۵ درصد)
جمع	۲۵۹ (۱۰۰ درصد)

آسیب‌های سایر محیط‌های کار

تعدادی از کودکان خیابانی، به‌تناوب در مکان‌های دیگری جز خیابان نیز به کار مشغول‌اند. هرچند کودکان در خیابان، در معرض آسیب‌های مختلف جسمی، جنسی و روانی قرار دارند، به نظر تعدادی از کارشناسان، این خطرها در مکان‌های بسته کارگاه‌ها از سوی کارفرما و سایر کودکان بیشتر است.

- مسئول سابق سازمان بهزیستی: بحث دیگری هم که این‌ها دارند، بهره‌کشی از آن‌ها در محیط‌های کاری در شرایط سخت است. شما آن گزارش را یادتان هست که هم زمان ۱۲ نفر در دروازه‌غار فلج می‌شوند؟ کاری که مجبور بودند انجام دهند این بود که باید پاشنه کفش می‌چسبانند و چسب نمی‌دانم چه حالتی داشت که ۱۲ نفر هم‌زمان فلج شده بودند.

به عقیده بعضی از فعالان کار کودکان، کار در خیابان در مقایسه با کار در مکان‌های بسته‌ای چون کارگاه‌ها و تولیدی‌ها مزایایی دارد. کودکان در خیابان، آزادی عمل بیشتر و توانایی بیشتری برای مراقبت از خود دارند. به‌علاوه می‌توانند حداقل بخشی از درآمد خود را در اختیار بگیرند

که به آن‌ها استقلال و قدرت بیشتری می‌دهد. به گفته یکی از مسئولان مراکز غیر دولتی، کار کودکان در کارگاه‌های بلورسازی سرآسیاب ملارد، با خطرهای جدی جسمی، روانی و جنسی برای کودکان همراه است.

- کارشناس مرکز غیر دولتی: من در دو بازدید که با هزار تا کلک توانستم از کارگاه بلور و شیشه بکنم، خودم ترجیح می‌دهم که اگر قرار است که کودکی کار کند، زباله‌گرد باشد تا کار در این کارگاه‌های غیر قانونی. خیلی محیط‌های ناامنی دارند. این بچه‌های زباله‌گرد، آزادانه برای خودشان قدم می‌زنند. چهار تا آدم می‌بینند؛ ولو اینکه کارشان کثیف است، ولی در آنجا خیلی باید باج بدهی تا دم کوره نیستی. واقعاً یک استعمار کامل است. مثلاً اگر بچه‌ها یک روز در هفته را کار نکنند، حقوق کل هفته را به آن‌ها نمی‌دهند. هیچ قراردادی هم ندارند که براساس آن بتوانند شکایت کنند.

کودکان خشونت بسیاری از سوی کارفرما و دیگر کودکان را تجربه می‌کنند و به دلیل بسته بودن مکان، خروج از وضعیت و مراقبت از سوی والدین برای آن‌ها دشوار است. خانواده‌های کولی، تجارب نامطلوبی از سوء استفاده جنسی از دختران خود در کارگاه‌های بازار را ذکر می‌کنند که سبب شده است خانواده‌ها کار در خیابان را به کار در کارگاه ترجیح دهند. پسران افغانی منطقه پاسگاه نعمت‌آباد، آزار جسمی و جنسی در محیط کار را امری رایج می‌دانند. کودکان و خانواده‌های آن‌ها، از حقوق خود بی‌خبرند و در برابر خشونت و درخواست‌های جنسی کارفرما، چاره‌ای جز تسلیم‌شدن و تن‌دادن به آن ندارند.

- بحث گروهی پسران ۱۴ تا ۱۸ ساله افغانی: هفت صبح می‌رفتم و تا زمانی که صاحب‌کار تعطیل می‌کرد، کار می‌کردم؛ چون ساعت بلد نبودم. نه قانونش رو بلد بودیم، نه سوادش رو داشتیم و نه حتی کسی به ما می‌گفت. من تا ۱۴ سالگی هم فکر می‌کردم که من به دنیا اومدم که فقط کار کنم و کسی هم زد تو سرم نباید چیزی بگم؛ چون کسی نبوده راهنمایی کنه. نه فقط من، همه این بچه‌ها.

هنگامی که از کودکان سؤال شده است که «اگر در خیابان نباشید، ترجیح می‌دهید چه فعالیتی داشته باشید»، در بین ۲۲۷ نفر کودکی که به سؤال پاسخ داده‌اند، بیشترین گزینه‌ای که به جای ماندن در خیابان عنوان شده است، در ۴۸/۷ درصد موارد، ادامه‌دادن به کار در غیر خیابان (اعم از کارگاه، مغازه، رانندگی و...) و پس از آن، ۲۱/۸ درصد تمایل به تحصیل و ۹/۸ درصد تمایل

به ورزش، تفریح و بازی را عنوان کرده‌اند. جدول ۳، انتخاب‌های کودکان خیابانی به‌جای بودن در خیابان را نشان می‌دهد.

جدول ۳. انتخاب‌های کودکان خیابانی شهر تهران به‌جای بودن در خیابان، ۱۳۹۱

فرآوانی	به‌جای بودن در خیابان
۹۴ (۴۸/۷ درصد)	انواع کار کارگاهی یا مغازه
۴۲ (۲۱/۸ درصد)	تحصیل
۱۹ (۹/۸ درصد)	تفریح و بازی و ورزش
۱۹ (۹/۸ درصد)	ماندن در خانه و خانه‌داری
۸ (۴/۱ درصد)	کشاورزی
۶ (۳/۱ درصد)	ماندن در خیابان یا ادامه همین کار
۳ (۱/۶ درصد)	بازگشت به شهر خود نزد خانواده
۲ (۱ درصد)	نمی‌دانم

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تأمین نیازهای مالی و مشکل‌های اقتصادی خانواده‌ها، عاملی کلیدی در ورود کودکان به خیابان است، اما عوامل دیگری نیز در کنار مشکل‌های اقتصادی در خیابانی‌شدن کودکان، نقش ایفا می‌کنند. از دیگر عوامل می‌توان به وضعیت نامطلوب زندگی کودکان مانند خشونت در خانواده و اعتیاد افراد خانواده اشاره کرد. پژوهش‌های فراوانی در سراسر جهان، نقش هردو عامل وضعیت اقتصادی خانواده (علی، ۲۰۰۴؛ آپتکار، ۱۹۹۴، فرگوسن، ۲۰۰۵؛ خان و هسکت، ۲۰۱۰؛ موماوالی، ۲۰۰۲؛ وارد و سگار، ۲۰۱۰؛ خان و هسکت، ۲۰۱۰؛ پاتل، ۱۹۹۰؛ سوبرامانیا و سوندهی، ۱۹۹۰) و شرایط نامطلوب خانواده‌ها را در خیابانی‌شدن کودکان تأیید می‌کنند. همچنین این یافته‌ها با یافته‌های مرور سیستماتیک پژوهش وامقی و همکاران، ۱۳۹۰ و دیگر پژوهش‌های داخلی همخوانی دارد. آنچه در مطالعه اخیر به اطلاعات قبلی در مورد علل خیابانی‌شدن کودکان می‌افزاید، علاوه بر نقش ترکیبی از عوامل اقتصادی و شرایط نامطلوب خانوادگی، نقش دو عامل دیگر در خیابانی‌شدن کودکان شامل دسترسی نداشتن به آموزش و نگرش‌ها و رفتارهای مبتنی بر فرهنگ قومی را- که کمتر در پژوهش‌های قبلی به آن توجه شده است- مطرح می‌سازد. شایان توجه

آنکه درعین حال، این مجموعه عوامل، در گروه‌های مختلف قومی و ملیتی کودکان، با نسبت‌های متفاوتی عمل می‌کنند و خود متأثر از شرایط ساختاری متفاوتی هستند؛ به‌عنوان مثال، شرایط اقتصادی نامطلوب خانواده‌ها، از عوامل زمینه‌ساز متفاوتی نشئت می‌گیرند؛ چنانچه در مورد کودکان افغانی، شرایط اقتصادی، نتیجه مهاجرت، اقامت غیر رسمی و دسترسی نداشتن به منابع کار و اشتغال است که در مورد عموم خانواده‌های ایرانی مصداق ندارد. درحالی‌که در مورد خانواده‌های ایرانی کولی، وضعیت اشتغال و شرایط اقتصادی خانواده، تا حد زیادی ریشه در سبک زندگی منتج از زمینه‌های فرهنگی، ادغام محدود در جامعه و مشکل‌های حقوقی متفاوتی مانند نداشتن شناسنامه دارد. متفاوت بودن عوامل سبب‌شناختی کار کودکان در خیابان، توجه به این عوامل در سطوح مختلف سیاستگذاری و برنامه‌ریزی را ضروری می‌سازد؛ برای مثال، سیاست‌های کلان خارجی و حقوقی مربوط به دسترسی مهاجران به اشتغال و آموزش، نیازمند بازنگری است؛ درحالی‌که برنامه‌ریزی برای کودکان کولی، گونه‌ای دیگر از سیاست‌های فرهنگی و قانونی را می‌طلبد.

چنانکه گفته شد، یکی دیگر از عوامل مربوط به خیابانی شدن کودکان، ویژگی‌های فرهنگی و نگرش به کار و تحصیل کودکان است که در سوق دادن کودکان به خیابان، نقش ایفا می‌کند. براساس یافته‌های مطالعه، در ایران دسترسی به آموزش رسمی برای کودکان افغانی بدون کارت اقامت امکان‌پذیر نیست. همچنین در میان افغانی‌ها، ارجحیت کار به تحصیل برای کودکان، نگرش رایجی است. به‌علاوه برای کودکان افغانی، تأمین هزینه‌های تحصیل، خود مانع دیگری برای دسترسی به آموزش است. به‌این ترتیب، ترکیبی از موانع فرهنگی و حقوقی دسترسی به آموزش، در کنار نیاز خانواده به درآمد، کودکان را راهی خیابان می‌کند. کودکان مهاجر، به‌ویژه مهاجران غیر قانونی در بعضی از نقاط دیگر جهان نیز شرایط مشابهی دارند. در تایلند، کودکان از کشورهای مجاور مانند کامبوج، برمه، هند، بنگلادش و ویتنام به‌دلیل جنگ، شرایط سیاسی و مشکل‌های اقتصادی، با خانواده یا دوستان خود برای کار به این کشور می‌آیند و بسیاری از آن‌ها در خیابان‌ها دستفروشی می‌کنند. این کودکان نیز غالباً به‌دلیل اقامت غیر قانونی، از دسترسی به امکانات تحصیلی محروم‌اند (وونگ سیریفیسال و همکاران، ۲۰۱۴). در سراسر جهان بسیاری از والدین مهاجر، بدون مدارک قانونی، کودکان خود را به مدرسه نمی‌فرستند. در مقابل، آن‌ها را پنهان یا وارد اشتغال غیر رسمی می‌کنند (فلام، ۲۰۱۰). در میان خانواده‌های کودکان کولی ایرانی نیز براساس سنتی قدیمی، کار در خیابان نقش و وظیفه اصلی کودکان، به‌ویژه دختران به‌شمار

می‌رود و تحصیل و آموزش جایگاه پایینی دارد. در این گروه از کودکان نیز مشکل‌های حقوقی ناشی از نداشتن شناسنامه، مانع مضاعفی برای تحصیل کودکان است. در سایر کودکان ایرانی، علاوه بر نیاز خانواده به کار کودک، هزینه‌های تحصیل، خود بسیاری از کودکان را به کار در خیابان می‌کشاند. انعطاف محدود نظام آموزشی در دریافت شهریه کودکان خانواده‌های کم‌درآمد سبب می‌شود که کودکان خود برای تأمین هزینه‌های تحصیل به کار روی آورند. در اینجا نیز نقش سیاست‌های کلان آموزشی در دریافت هزینه‌های تحصیل و انعطاف نظام آموزشی رسمی برای کودکانی که به کار اشتغال دارند، در دسترسی آسان‌تر کودکان به آموزش و پیشگیری از ورود کودکان به بازار کار نقش مؤثری دارد.

در این مطالعه، بسیاری از کارشناسان و کودکان، از تجربه خشونت‌های روانی، جسمی و جنسی در خانواده سخن گفته‌اند. در مطالعه شهرداری تهران (سازمان رفاه و خدمات اجتماعی شهرداری تهران، ۱۳۸۹) نیز ۱۵ درصد کودکان و در مطالعه شغلی و محرز (۱۳۸۹) در حدود یک‌سوم کودکان، وقوع انواع آزار را در مورد خود گزارش کرده‌اند، اما نکته قابل تأمل در این مطالعه، وجود منابع متعدد اعمال خشونت نسبت به کودکان در خانه و خیابان و نقش دوگانه خشونت به‌عنوان عامل و پیامد خیابانی‌شدن است. خشونت علاوه بر تبعات جسمی و روانی مستقیم، با سوق دادن کودکان به ترک خانه، آن‌ها را در معرض آسیب‌های بیشتر خیابان قرار می‌دهد. خشونت نه تنها از سوی خانواده بلکه از سوی مردم عادی، مأموران و همسالان نسبت به کودکان اعمال می‌شود و از این حیث، کودکان خیابانی، مورد ظلم مضاعف از سوی خانواده و جامعه واقع می‌شوند. یافته‌های فوق ضرورت توجه خاص به اعمال خشونت نسبت به کودکان در خانواده و محیط خیابان را نشان می‌دهد. از آنجاکه یافته‌های مطالعه، تأییدکننده ناامنی محیط خیابان برای کودکان است، پیشگیری از کار کودکان یک ضرورت به‌شمار می‌آید. با این حال، در کنار اقدام برای جلوگیری از کار کودکان، فعالیت‌های فوری‌تر به‌ویژه مدیریت خشونت نسبت به کودکان از سوی مأموران و خانواده، از اولویت بالایی برخوردار است. علاوه بر خشونت، به حل سایر مشکل‌های خانواده‌ها مانند اعتیاد نیز باید توجه داشت. از دید کارشناسان، شرایط و ویژگی‌های خانواده، نه تنها در خیابانی‌شدن کودکان نقش دارد، بلکه در میزان آسیب ناشی از خیابانی‌شدن نیز مؤثر است؛ برای مثال، ویژگی‌های قومیتی نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در ساختار خانواده، ارتباط کودکان با خانواده و میزان کنترل و مراقبت آن‌ها از کودکان در مقابله با خطرهای خیابان دارد. علی‌رغم تفاوت‌ها، هیچ‌یک از گروه‌های کودکان خیابانی، از آسیب ناشی

از خیابانی بودن بی‌نصیب نمی‌مانند و کودکان ایرانی و غیر ایرانی، تنها به درجات مختلف، خطرهای خیابان را تجربه می‌کنند.

پیامدهای کار کودکان در محیط‌های غیر خیابان- که در این مطالعه تا حدودی بررسی شده است- بر اهمیت و ضرورت بررسی و مطالعه‌های جدی در مورد کار کودکان در محیط‌های غیر خیابان تأکید دارد. از آنجاکه به کار کودکان در پژوهش‌های ایرانی در سایر بخش‌ها توجه چندانی نشده است، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده بر این حوزه متمرکز شوند.

سپاسگزاری

بدین‌وسیله از معاونت توسعه پیشگیری سازمان بهزیستی کشور- که امکان اجرای این پژوهش را فراهم کرد- و سازمان‌های غیر دولتی کودکان خیابانی شهر تهران، به دلیل همکاری فراوان آنان در دسترسی به کودکان و در اختیار گذاشتن تجربه‌ها و پیشنهادهای مؤثر قدردانی می‌کنیم.

منابع

- احمدی خوئی، شاپور (۱۳۸۳)، بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی مؤثر بر شکل‌گیری کودکان خیابانی در شهر ارومیه، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- آرزومندی، منیره و روشن پژوه، محسن (۱۳۸۹)، بررسی مقایسه‌ای مقیاس ناامیدی کودکان در میان کودکان کار و خیابان و کودکان محروم غیر خیابانی، اولین سمینار بررسی آسیب‌های کودکان کار و خیابان و زنان سرپرست خانوار.
- آرزومندی، منیره (۱۳۸۲)، بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های خانوادگی- اجتماعی کودکان خیابانی و غیر خیابانی. پایان‌نامه مقطع کارشناسی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- روشن پژوه، محسن و دیگران (۱۳۸۹)، بررسی وضعیت کودکان کار و خیابان منطقه ۲۰ تهران، کتاب مقالات دومین سمینار بررسی آسیب‌های کودکان کار و خیابان.
- سازمان رفاه و خدمات اجتماعی شهرداری تهران (۱۳۸۹)، بررسی وضعیت کودکان کار و خیابان شهر تهران، منتشر نشده.
- شغلی، علیرضا و محرز، مینو (۱۳۸۹). مطالعه زیست- رفتاری کودکان کار و خیابانی شهر تهران در ارتباط با عفونت HIV/AIDS، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مرکز مدیریت بیماریها.

- علی‌زاده اقدم، محمدباقر و دیگران (۱۳۹۰)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر پدیده کودکان خیابانی مطالعه‌ی مورد شهر تبریز، کتاب مقالات دومین سمینار بررسی آسیب‌های کودکان کار و خیابان.
- قاسم زاده، فاطمه (۱۳۸۲)، «کودکان خیابانی در تهران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۷: ۲۴۹-۲۶۳.
- کاشانی، شیرین (۱۳۸۶)، بررسی عوامل مؤثر بر خیابانی شدن کودکان، پایان نامه مقطع کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- گلپذیرسرخه، آرش (۱۳۸۴)، بررسی پدیده کودکان خیابانی پسر منطقه زینبیه اصفهان و برخی عوامل مؤثر در آن (شهریور ۸۱ تا ۸۳)، پایان نامه مقطع MPH، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران.
- وامقی، مروّنه؛ دژمان، معصومه؛ رفیعی، حسن؛ روشنفکر، پیام؛ فروزان، آمنه ستاره؛ شغلی، علیرضا؛ میرزازاده، علی (۱۳۹۴)، «یک مقاله متدولوژیک: ارزیابی سریع و پاسخ به رفتارهای پرخطر کودکان خیابانی شهر تهران، ۱۳۹۲»، مجله اپیدمیولوژی ایران، در دست چاپ.
- وامقی، مروّنه؛ رفیعی، حسن؛ سجادی، حمیرا؛ رشیدیان، آرش (۱۳۹۰)، «مرور نظام مند مطالعات کودکان خیابانی در دهه ی اخیر در ایران: عوامل خانوادگی مرتبط و پیامدهای خیابانی شدن کودکان»، مجله مسائل اجتماعی ایران، شماره ۱: ۱۳۵-۱۶۶.
- وامقی، مروّنه؛ سجادی، حمیرا؛ رفیعی، حسن؛ رشیدیان، آرش (۱۳۸۹)، «مرور نظام مند مطالعات کودکان خیابانی در دهه‌ی اخیر در ایران (فقر عامل خطر خیابانی شدن کودکان)»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۳۵: ۳۳۷-۳۷۸.
- Ali M. (2004) , “Street children in Pakistan: a situational analysis of social conditions and nutritional status”, **Social Science and Medicine**,59: 1707-1717.
- Aptekar, L (1994) ,“Street Children in the Developing World: A Review of Their Condition”,**Cross-Cultural Research**, Vol. 28, No. 3, 195-224.
- Aptekar, L and Abebe, B (1997) ,“Conflict in the neighborhood: Street and working children in the public space”, **The International Journal of Children’sRights**,5 (4) , 477- 490
- Flamm, S (2010) , “The linkage between Migration and Child Labor: An International perspective”,**Stanford Journal of International Relations**,12: 1, 15-25
- Ferguson, K (2005) ,“Child labor and social capital in the mezzo system: family- and community-based risk and protective factors for street-working children in Mexico”,**Journal of Social Work Research and Evaluation**,6: 101-118.
- Flam, S (2010) , The Linkage between Migration and Child Labor: An international Perspective. https://web.stanford.edu/group/.../fall10-final_2.pdf
- Habib F, Nayaib R, Kehkashan Khan S, Jamal S, Cheema AA, Imam N (2007), “Occupational Health Hazards among Street Children”, **Biomedica**, 23: 92-95

- ILO-IPEC (2014) ,**Marking progress against child labor - Global estimates and trends 2000-2012**, http://www.nazemi.cz/sites/default/files/wcms_221513.pdf
- Ismayilov F (2007) , **Street Children and HIV/AIDS in Azerbaijan**, The Global Found, Baku. http://www.academia.edu/2305844/Street_Children_and_HIV_AIDS_in_Azerbaijan
- Khan S, Hesketh T (2010) ,“Deteriorating situation for street children in Pakistan: a consequence of war”,**Archives of Disease in Childhood**, 95: 655–657
- Momavali (The Future) (2002) ,**Monitoring and Categorization of Street Children and Creation of their Registration System (Case Study)** , United Nations Children’s Fund: Tbilisi.
- http://www.unicef.org/evaldatabase/index_31136.html
- Nelson, RL (2000) ,**The Application of Empowerment Theory to Street Children of Developing World: The Case of Casa Alianza (Covenant House) in Honduras**, MA Thesis, the Faculty of Graduate Studies, School of Community and Regional Planning, the University of British Columbia.
- Panter-Brick, C. (2002) ,“Street Children, Human Rights and Public Health: A Critique and Future Directions”, **Annul. Rev, Anthropol**
- Panter-Brick, C. (2004) ,“Homelessness, Poverty and Risks to Health: Beyond at Risk Categorizations of Street Children”, **Children’s Geographies**, 2: 1, 83-94
- Patel, S. (1990) , “Street children hotel boys and children of Pavement dwellers and constructionworkers in Bombay: How they meet their daily needs”,**Environment and Urbanization**, 2: 9-26.
- Ray, P; Davey, C; Nolan, P (2011) ,**Still on the Streets-Still Short of rights Analysis of Policy and Programs Related to Street Involved Children**, Consortium For Street Children
- Subrahmanyam, Y., & Sondhi, R. (1990), “Child porters: Psychosocial profile of street children”,**International Journal of Social Work**, 51: 577-582.
- Teltchik A (2006) ,**Children and Young People Living or Working on the Streets: The Missing Face of the HIV Epidemic in Ukraine**,United Nations Children’s Fund and
- AIDS Foundation East-West http://www.unicef.org/ukraine/4_Street_children_and_young_people_en.pdf
- Thuderic-Ghemo, A. (2005). Life on the street and the mental health of street children: A developmental perspective (Dissertation in partial fulfilment of the requirements for the DegreeMagister on Psychology). Faculty of Art, University of Johannesburg.
- Thomas De Benitez, S. (2011). State of the World’s Street Children: Research. Consortium for Street Children, London.
- United Nations Children’s Found (2005) , **The State of The World Street Children 2006 Excluded and Invisible**,
- Vungsiriphisal, P; Auasalong, S; Chantavanich, S (2014) ,Migrant Children in Difficult Circumstances in Thailand. The Asian Research Center for Migration Institute of Asian Studies, Chulalongkorn University, Supported by United Nations Children’s Fund (UNICEF)
- Ward CL, Seager JR. (2010) ,“South African street children: a survey and recommendations for services”, **Development Southern Africa**, 27: 85–100.
- Watthayu N, Wenzel J, Sirisreetreeru R, Sangprasert, Wisettanakorn, N (2011) , Rapid Assessment and Response: The Context of HIV/AIDS and Adolescents in Bangkok, *J Nurse Sci*, Vol.29, N.3: 28-35
- Wiencke, M (2008) ,“Theoretical reflections on the life world of Tanzanian street children”, **Anthropology Matters Journal**, Vol 10 (2). <http://www.anthropologymatters.com>

- World Food Program, United Nations Children's Fund, and United Nations Office for Drug Control and Crime Prevention (2001) ,**Rapid Situation Assessment Report On The situation of street children in Cairo and Alexandria, including the children's drug abuse and health/nutritional status**, Cairo
- Wutoh AK, Kumoji EK, Xue Zh, Campusano G, Wutoh, RD, Ofosu, JR (2005) ,“HIV knowledge and sexual Risk Behaviors of Street Children in Takoradi, Ghana”,**AIDS and Behavior**, Vol. 10, No. 2: 209-215
- Vungsiriphisal, P; Auasalung, S; Chantavanich, S (2014) , **Migrant Children in Difficult Circumstances in Thailand**, United Nations Children's Fund, www.burmalibrary.org/docs09/MigChildrenCircumstances.pdf